

آشنایی تراژیک با مزاری



مهدی مدبر

روزهای سرد ماه حوت زمستان سال ۱۳۷۳ بود که رادیو آن خبر دردناک را پخش کرد؛ خبری که تمام قریه کوچک ما را در غم و اندوه فرو برد و اشک از چشمان مردم قریه جاری کرد. آن روزها، در تمام قریه یک نام بود که بر سر زبان همه بود: مزاری. مراسم سوگ واری در مکان‌های مختلف برگزار شد و مردم روزها عزا دار بودند و در کنار آن از مزاری و مبارزه او می‌گفتند.

از ورای این سوگواری‌ها و عزاداری‌ها بود که من با نام مزاری آشنا شدم؛ آشنایی غمناک و تراژیک. از آن روز فهمیدم که مزاری حتما شخصیت بزرگی بوده که مرگ او تمام قریه را در اندوه فرو برده است.

من و عده‌ی زیادی از کسانی که هنگام شهادت مزاری کودک بودیم، اینگونه با نام او آشنا شدیم و نام او در ذهن ما ماندگار شد. با او درست از زمانی آشنا شدیم که دیگر زنده نبود و جاویدانه شده بود.

اما چگونه شد نسلی که پس از مرگ مزاری با نام او آشنا شدند، امروز بیشتر پیروان او را تشکیل می‌دهند؟ آنهایی که حتی یک لحظه فرصت گفتگو و سخن گفتن با مزاری را **نادیده** نداشتند، چگونه امروز از ره روان سرسخت مزاری شدند؟

شناخت مزاری از ورای مدح اغراق آمیز دوستان و ذم کین‌توزانه دشمنان آن هم زمانی که عملاً فرصت دسترسی و گفتگوی مستقیم از بین رفته است، کار آسانی نبوده و نیست.

اما آنچه که هم نسلان مرا از ورای مدح و ذم دوستان و دشمنانش مجذوب مزاری کرده، اندیشه و آرمان مزاری است. اندیشه و آرمان او باعث شد که بین او و نسلی که از پس شهادت او رشد کرده‌اند، دانشگاه رفته‌اند، پا به اجتماع گذاشته‌اند و درباره سرنوشت و آینده می‌اندیشند، پیوند

عمیقی برگزار کند.

مزاری در طول حیاتش برای آینده مبارزه کرد؛ آینده‌ای از آن ماست و سرنوشت نسل ما را رقم می‌زند. او افقی را برای آینده گشود و مسیری را بنا گذاشت که ما ناگزیریم برای آینده روشن و داشتن عزت و کرامت انسانی و شهروندی خود، از آن عبور کنیم.

مزاری در تمام دوران فعالیت سیاسی و اجتماعی اش، از عدالت، حقوق برابر شهروندی، همزیستی مسالمت آمیز و احترام به کرامت انسانی شهروندان افغانستان سخن گفت و تبعیض، تعصب، نفرت پراکنی و تفرقه را محکوم کرد. او باور داشت که ما برای رسیدن به صلح، آرامش، رفاه و آسایش باید عدالت اجتماعی را رعایت کنیم تا هیچ شهروند افغانستان از خدمات شهروندی محروم نگردد.

نسل جوان، دانشگاهی و آگاه افغانستان نیز اکنون به این باور هستند که ما برای عبور از بحران‌های سیاسی و اجتماعی چاره‌ای جز نفی تبعیض، تعصب و تمامیت خواهی و پابندی به عدالت، برابری و هم‌پذیری نداریم.

خواهی و پابندی به عدالت، برابری و هم‌پذیری نداریم. باعث می‌شود ما او را به عنوان یک عدالت خواه تمام عیار، الگو و سرمشق خود قرار بدهیم و با الهام از اندیشه و باورهای او، برای آینده روشن و عاری از تبعیض و تعصب تلاش کنیم.

هر چند ما فرصت گفتگوی مستقیم با مزاری را از دست دادیم، اما او میراث بزرگی برای ما به یادگار گذاشته و چشم انداز آینده را برای ما روشن کرده است و ما در افق اندیشه‌های او می‌توانیم با اطمینان بسوی آینده گام برداریم و جامعه مبتنی بر کرامت انسانی تشکیل دهیم.